

کوثر قرآن

عباس کوثری

۱- سایت تخصصی حضرت فاطمه سلام الله علیها - گروه فرهنگی محدثه

www.mohaddaseh.ir

info@mohaddaseh.ir

mohaddaseh@gmail.com

فهرست:

- مقدمه

- جلوه‌های اعجاز در سوره کوثر

- معنای کوثر

- مظاهر و جلوه‌های کوثری
 - شان نزول سوره کوثر

 - فرزندان فراوان

مقدمه

«بسم الله الرحمن الرحيم. انا اعطيناك الكوثر، فصل لربك وانحر. ان شئتک هو الاثر». معنویت قدسی فاطمه (س)

در قرآن کریم، جلوه‌ای تام یافته. جمال معنوی و اوج پاکی و عصمتش، در آیه تطهیر، [۱] درخشش انسان کامل را

متجلی ساخت، آیه مباحله [۲] شاهی بر شکوهمندی و قدر و جلالش شد.

و سوره «هل اتی» [۳] جلوه‌ای از مروت و ایثار فاطمه (س) را همراه با عارفانه‌ترین زمزمه هستی - «علی حبه» -

تجسمی زیبا بخشید.

این جویبارهای فضیلت به هم پیوند خورد و در سوره «کوثر» مجموعه‌ای دل‌انگیز از زیباییها و اصالتها را رقم زد و

آن را به عنوان، هدیه‌ای الهی، تقدیم رسول خاتم (ص) کرد، زیرا فاطمه (س) یکی از مظاهر فیض مداوم و جریان

پر برکت حرکت محمدی است که استمرار آن را با ذریه خویش تضمین کرد.

در این راستا نگاهی به سوره کوثر داریم:

[۱] سوره احزاب، آیه ۳۳.

[۲] آل عمران، آیه ۶۱.

[۳] سوره دهر، آیه ۷۶.

جلوه‌های اعجاز در سوره کوثر

آنان که اهل ذوق و ادب و آشنای با آهنگ کلمات هستند و معانی زیبا و معارف بلند را درک می‌کنند سوره‌های قرآن را آنچنان پرجاذبه و دلربا احساس می‌کنند که خضوع و فروتنی خویش را در مقابل این اعجاز بزرگ اعلام داشته و اسلام را به عنوان دین و برنامه زندگی خویش برمی‌گزینند.

همین آهنگ زیبا و دلنشین قرآن در نظم و نسق زیبای کلمات سوره کوثر جلوه غیر قابل تقلید یافته است؛ بویژه که پایان هر آیه به راء ماقبل مفتوح در کلمات - الکوثر - و انحر - ابتر - روح هنرمند را به وجد و شوق آورده و او را به دنیای زیبای ترکیب کلمات رهنمون می‌گردد. یکی از مفسرین در این باره می‌نویسد: مخارج صوتی حروف، حرکات، ترکیبات و فواصل این سوره، آهنگ و ایقاعات خاص و وصف ناپذیری دارد. هر آیه دارای دو ایقاع [۱] است که از حروف هم مخرج و قریب المخرج «ا، ن، ک، ل» متصل و منفصل و فواصل راء ماقبل فتحه، ترکیب یافته که از مجموع آنها آهنگ یکنواخت بر می‌آید، آیه اول با حرکت کسره و نون مشدد و فتحه‌ها و سکونهای متعالی آمده که حرکت اعطاء را از مبدء تا نهایت می‌نمایاند.

صدای حروف و حرکات متنوع آیه دو، بیانگر دو امر متوالی است... اوزان و کلمات خاص این سوره: اعطیناک، الکوثر، انحر، شانی، الابتر است. معانی عالی و پیشگویی قاطع را که در آیه کوتاه این سوره آمده و در آهنگ حروف و حرکات و کلمات خاص و متقارب و متقابل نمودار شده است، نه آنطور که هست می‌توان دریافت و نه وصف نمود و خود سرچشمه کوثر و نشانه کلام برتر و به عجز آوردن بشر است. [۲].

اعجاز قرآن در سوره کوثر نه تنها در موزون بودن کلمات و ترکیب زیبای آن نهفته است بلکه با پیشگویی درست از آینده، جلوه‌ای دیگر از اعجاز را فراراه حق جویان قرار داده است. با استخدام کلمات غنی و برخوردار از معانی بلند آنچنان به سوره کوثر استحکام بخشیده، که مجال ظهور و مقاومت هر گونه معارضه‌ای را از بین برده است و اگر کسی به این کار دست زد نه تنها بر آن خدش‌های وارد نساخته بلکه بر رونق آن نیز افزوده است. نمونه آن را

در کار یکی از مزدوران استکبار در کتاب «حسن الایجاز» [۳] «خویش» مشاهده می‌نماییم. نویسنده به گمان خود به مقابله با سوره «کوثر» برخاسته و معارضه خویش را این چنین آورده است: «انا اعطیناک الجواهر فصل لربک و جاهر - ولا تعتمد قول ساحر؛ ما به تو زر و زیور دادیم، پس برای پروردگار خویش نماز بگزار و آن را آشکار کن و به سخن جادوگر اعتماد نکن.»

اولین سؤالی که برای هر فرد پیش می‌آید این است که؛ این چه نوع مقابله و معارضه‌ای است که بیشترین الفاظ را از خود سوره کوثر انتخاب کرده است و فقط به جایگزینی بعضی الفاظ بسنده کرده است؟ آیا همانندی یک اثر زیبا این گونه است که عبارات آن اثر با تغییرات اندک ذکر نشود؟ علاوه اینکه تاکید آورده شده در جمله «انا اعطیناک» که لفظ «انا» و «نا» و آوردن فعل ماضی گواه آن است می‌بایست بیانگر امری باشد که از اهمیت فراوانی برخوردار است. هر انسان اندیشمند و متفکر این را به خوبی می‌فهمد که نعمتهای مهمتری مانند عقل، ایمان و حیات با این تاکید و اهتمام سازگاری و تناسب تام دارد و آوردن زر و زیور تنها به خاطر همان روحیه بندگی و پویندگی در مقابل جواهرات است که از بین همه نعمتها به آن اهتمام ورزیده است. [۴] سوره کوثر جدای از کوتاهی عبارات، از مضامین بلند و معارف زیبایی برخوردار است و این معجزه و سند نبوت پیامبر گرامی (ص) برای همیشه در تاریخ از مردم خواسته است که اگر می‌توانند یک سوره هر چند به کوتاهی سوره کوثر، بیاورند.

سوره کوثر با این جمله آغاز می‌شود «انا اعطیناک الکوثر». سؤالی که مطرح است این است که چگونه عطای خداوندی به صورت جمع، ما، آورده شده است؟ با این که خداوند متعال یگانه یکتاست و همه نعمتها از او سرچشمه گرفته است برای این تعبیر که نظیر آن در سوره‌های دیگر از جمله سوره قدر «ما قرآن را در شب قدر فرو فرستادیم» فخر رازی، از علمای اهل سنت، در تفسیر خود می‌نویسد: سومین نظر در معنای کوثر این است که

منظور از آن فرزندان آن حضرت است، و این به آن جهت است که؛ این سوره در رد کسانی نازل شده است که از آن حضرت به خاطر نداشتن فرزندان عیبجویی می کردند.

مشاهده می شود، دو جواب داده شده است: ۱ - تعبیر جمع به خاطر عظمت دادن به او است و اینکه مورد، کوثر، ذکر شده است، نشان دهنده اهتمام فوق العاده خداوند است.

۲ - جهان مبتنی بر نظام علت و معلول و اسباب و مسببات است؛ چنانکه در حدیثی از امام صادق (ع) می خوانیم:

«بی الله ان یجری الاشیاء الا بالاسباب» اراده ای الهی بر این قرار گرفته است که امور جهان جز به اسباب خود جریان نیابد. [۵] و چون علل و اسباب به اذن الهی دست اندر کار این عطیه الهی بوده است، در اشاره به آن جمع آورده شده است. فخر رازی در این زمینه می نویسد: «فلا یمکن حمله علی الجمع الا اذا ارید ان هذه العطیه مما سعی فی تحصیلها الملائکة و جبریل و میکائیل والانبیاء المتقدمون...» نمی توان این آیه را «انا اعطیناک» جمع دانست؛ مگر اینکه بگوییم این بخشش از اموری است که در به دست آوردن آن ملائکه و جبرئیل و میکائیل و انبیاء پیشین سعی و تلاش داشته اند. [۶].

[۱] ایقاع: توافق صداها - هم آهنگی نقل از کتاب «فرهنگ نوین» در ماده وقع.

[۲] پرتوی از قرآن؛ آیه الله طالقانی، بخش ۲، جلد آخر، ص ۲۸۱.

[۳] این کتاب از چاپخانه انگلیسی، آمریکائی بولاق مصر در سال ۱۹۱۲ منتشر شد و مرحوم آیه الله خوئی در رد آن

کتاب «نفحات الاعجاز» را نگاشته است. نقل از تفسیر «البیان» ج ۱، ص ۱۰۸، طبع پنجم.

[۴] برای توضیح بیشتر مراجعه شود به «البیان»: آیه الله خوئی، ج ۱، ص ۱۱۳، طبع پنجم.

[۵] بحارالانوار، ج ۲، کتاب العلم، ص ۹۰.

[۶] تفسیر فخر رازی، سوره کوثر، ج ۳۲، ص ۱۲۴.

معنای کوثر

مرحوم طبرسی در معنای لغوی «کوثر» می‌نویسد: «الکوثر، فوعل من الکثرة و هو الشئ الذی من شأنه الکثرة و الکوثر، الخیر الکثیر» کوثر صفت مبالغه و وزن فوعل را دارد و بر گرفته از کثرت است و آن عبارت از چیزی است که؛ شایستگی و زیادی را داشته باشد و منظور از آن خیر فراوان است. [۱].

بیضاوی، از دیگر مفسرین اهل سنت، نیز زیادی فرزندان و پیروان را در شمار معانی کوثر ذکر می‌کند.

[۱] مجمع البیان، سوره کوثر، ج ۵، ص ۵۴۸، کتابخانه آیه‌الله نجفی.

مظاهر و جلوه‌های کوثری

خیر فراوان در این آیه به امور مختلفی از جمله: قرآن، نبوت، چشمه‌ای در بهشت، علماء، زیادی فرزندان، حوضی در بهشت، حکمت و شفاعت تفسیر شده است. [۱].

هیچ کدام از این معانی با یکدیگر منافاتی ندارند، زیرا همه بیانگر همان مضمون متعالی کوثر و خیر فراوانند. نکته در خور توجه این است که این زیادی فرزندان و نسل پیامبر (ص) که از چشمه‌سار فاطمه (س) جوشیده است، در

میان دیگر معانی از درخشش و جلوه بیشتری برخوردار است. برخی از شواهد و قرائنی که آن را تایید می‌کند

عبارتند از:

[۱] مراجعه شود به مجمع البیان، ج ۵، ص ۵۴۹ و تفسیر فخر رازی، ج ۳۲، ص ۱۲۴.

شان نزول سوره کوثر

مفسرین از شیعه و اهل سنت در شان نزول این سوره این گونه نگاشته‌اند که؛ عاص بن وائل سهمی جلوی یکی از درهای مسجد الحرام بنام باب بنی السهم با رسول گرامی اسلام ملاقات کرد و با آن حضرت به گفتگو پرداخت. قریبی‌ها که شاهد این منظره بودند از او سؤال کردند: با چه شخصی سخن می‌گفتی؟ او با عبارات بیش‌رمانه گفت با ابتر.

این جواب به آن جهت بود که عبدالله، آخرین فرزند پسر آن بزرگوار، زندگی را بدرود گفته بود. و عرب جاهلی کسانی را که دارای فرزند پسر نباشد «ابتر» قلمداد می‌کردند زیرا تنها راه استمرار اهداف فرد را در وجود پسر می‌دانستند. [۱] در نتیجه، این شان نزول متناسب با سرزنش آنان خواهد بود.

در این باره فخر رازی، از علمای اهل سنت، در تفسیر خود می‌نویسد: «سومین نظر در معنای کوثر این است که منظور از آن فرزندان آن حضرت است و این به آن جهت است که؛ این سوره در رد کسانی نازل شده است که از آن حضرت به خاطر نداشتن فرزندان عیبجویی می‌کردند که در این صورت معنای آن این است که خداوند ترا فرزندان و نسلی عطا می‌کند که در طول تاریخ برقرار خواهند ماند سپس می‌گوید: بین که چقدر انسانها از اهل بیت پیامبر (ص) به شهادت رسیده‌اند اما جهان همچنان شاهد رونق فزاینده آنان است آنگاه بنگر که چه

تعداد از بزرگان اندیشمند مانند امام باقر، امام صادق، امام کاظم، امام رضا «عليهم الصلوٰة و السلام» و محمد نفس

زکيه در میان آنها جلوه گر شده است» [۲].

علامه آلوسی بغدادی در تفسیر روح المعانی می نویسد: می توان یکی از معانی کوثر را زیادی فرزندان رسول گرامی اسلام (ص) دانست زیرا که؛ عیبجویی دشمنان در ارتباط با فقدان فرزند آن حضرت بوده است. سپس می گوید: این چنین است که فرزندان رسول گرامی اسلام سراسر گیتی را فرا گرفته اند. [۳].

بیضاوی، از دیگر مفسرین اهل سنت، نیز زیادی فرزندان و پیروان را در شمار معانی کوثر ذکر می کند. [۴].
در میان مفسرین شیعه، مرحوم طبرسی در مجمع البیان و علامه طباطبایی در المیزان مخاطبان خود را به این معنا توجه داده اند. در تفسیر المیزان در این باره به خوبی استدلال شده است.

[۱] مجمع البیان، ج ۵، ص ۵۴۹ و المیزان، ج ۲۰، ص ۳۷۲ و درالمنثور، ج ۸، ص ۶۵۲، دارالفکر.

[۲] تفسیر فخر رازی، ج ۳۲، ص ۱۲۴.

[۳] روح المعانی، ج ۳۰، ص ۲۴۵.

[۴] تفسیر بیضاوی، ج ۲، ص ۶۲۶.

فرزندان فراوان

دومین شاهد بر اینکه در کوثر معنای فرزندان فراوان منظور شده، ذیل سوره شریفه است که می فرماید: «ان شائئک هو الابتر.» محققا دشمن تو بی دنباله است؛ زیرا که ظاهر کلمه ابتر، عبارت از قطع نسل و بی فرزندی است

چنانکه شان نزول سوره آن را تایید می کند و یا دلیلی بر انحصار به یکی از موارد آن مثل جدا شدن از خیرات... است.

و یا از قوم خود نخواهد دانست و بیانگر هرگونه انقطاع و جدا شدن می باشد در هر صورت بدون دنباله بودن از نظر فرزند، در معنای ابتر ملاحظه شده است که خود دلیلی بر این است که در کوثر معنایی مقابل آن ارائه شده است؛ یکی وجود فرزندان بسیار است که به پیامبر (ص) اعلام می دارد که: ای پیامبر ما به تو خیر فراوان از جمله فرزندان بسیار دادیم و دشمن تو برای همیشه تاریخ از تمامی نیکبها و از نسل و فرزندان منقطع و جدا خواهد بود و از آنجا که بستر کوثر و جریان پرفیض و مداوم، در وجود مقدس حضرت صدیقه طاهره فاطمه (س) قرار دارد، به عظمت این سرچشمه خیرات و وجود با برکت بیشتر می توان پی برد. وجود مقدسی که نعمت بزرگ الهی و استمرار فرزندان رسول گرامی اسلام (ص) به وسیله او تحقق یافت، تا شخصیت زن را در ابعاد معنوی و اجتماعی جلوه بیشتری بخشیده تا هیچ فردی به خود اجازه ندهد که فرزندش را تنها به خاطر جنسیت مورد تحقیر قرار دهد زیرا که الگوی زن مسلمان فاطمه (س) است. همان بزرگواری که حلقه پیوند شکوهمند رسالت و امامت گشت و زیباترین جلوه های انسانی معنوی را در خویش متجلی ساخت.

مکتب فاطمه (س) مجموعه ای از فضایل انسانی و منظومه ای از گلوآژه های نیک زیستن است که در هسته مرکزی آن پیامبر قرار گرفته است و فرزندان معصومش، اقمار این منظومه اند. جهان امروز به همان مقدار نیازمند به آرمانهای فاطمی است، که جامعه دیروز جاهلی.

سوره کوثر خود گواه این مطلب است که تبار و ذریه پیامبر گرامی (ص) از دختر گرانمایه اش فاطمه (س) استمرار می یابد؛ چنانکه مرحوم علامه طباطبائی [۱] به آن توجه داده است. البته این معنا را در آیات دیگر به صورت آشکارتری می توان دید. همچنین به دو نمونه آن در مناظره امام موسی بن جعفر (ع) با هارون الرشید تصریح شده

است زمانی هارون الرشید از امام موسی بن جعفر (ع)، پرسید: چگونه شما می‌گویید ما از فرزندان پیامبریم، با اینکه به جای ماندن نسل از پسر است نه دختر و شما فرزندان دختر او هستید؟ حضرت در جواب او، آیه‌ای از سوره انعام را خواند: «و من ذریته داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هرون و کذلک نجزی المحسنین و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس کل من الصالحین» و هدایت نمودیم - از فرزندان او، نوح یا ابراهیم، داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون و اینگونه نیکوکاران را جزا می‌دهیم و زکریا و یحیی و عیسی و الیاس را که همه از شایستگان بودند. [۲] آنگاه حضرت از هارون الرشید پرسید: پدر عیسی کیست، که به وسیله آن از فرزندان نوح «یا ابراهیم» بشمار آمده است؟ هارون گفت: عیسی پدری نداشت. امام بی‌درنگ فرمود: همانگونه که خداوند عیسی را بوسیله مریم از فرزندان انبیاء محسوب داشته است، ما نیز به پیامبر اسلام از طریق مادرمان فاطمه (س) انتساب پیدا کرده‌ایم و از فرزندان آن حضرت هستیم. آنگاه حضرت آیه شریفه مباحله را تلاوت کرد: «فقل تعالوا ندع ابنائنا و ابنائکم...» و فرمود: هیچ کس ادعا نکرده است که: در موقع مباحله و نفرین بر مسیحیان پیامبر غیر از علی بن ابیطالب و فاطمه و حسن و حسین، در زیر کساء (عبا) داخل کرده باشد. به این ترتیب مشخص می‌شود منظور از ابنائنا، پسران ما، حسن و حسین‌اند که خداوند آنها را پسران رسول خود خوانده است. [۳].

بهره‌ای که از این سوره نورانی باید برای امروزمان برداریم این است که: راه نجات جامعه انسانی در بازگشت به چشمه‌سار جوشان و استفاده از برکات فراوان آن است، که در مجموعه‌ای از الگوهای متعالی تجلی یافته است. اگر فاطمه (س) برای زن معاصر امروزین بهترین الگو است بدان جهت است که مکتب فاطمه (س) مجموعه‌ای از فضایل انسانی و منظومه‌ای از گلوآژه‌های نیک زیستن است که در هسته مرکزی آن پیامبر قرار گرفته است و فرزندان معصومش، اقمار این منظومه‌اند. جهان امروز به همان مقدار نیازمند به آرمانهای فاطمی است، که جامعه

دیروز جاهلی. زیرا که اصول حاکم بر نظام جاهلی قدیم، در شکل‌های جدیدتر ارائه شده است و جاهلیت جدیدی را در قالب نظام‌های غربی و الحادی ترسیم کرده است. نظام خانواده استحکام و اصالت خویش را از دست داده و زن به صورت یک شیء و بازیچه بازارهای تبلیغاتی درآمده و آزادی زن در برهنگی و جلوه‌گری او تجسم یافته است.

اینجاست که زن امروز نیازمند اسوه‌هایی است که با تکیه بر ارزش‌های راستین الهی او را به کوثر آگاهی و ایمان و آزادی راستین رهنمون شود.

نی تو اعطیناک کوثر خواننده‌ای

پس چرا خشکی و تشنه مانده‌ای

یا مگر فرعون‌ی و کوثر چونیل

بر تو خون گشته است و ناخوش ای علیل

توبه کن ببزار شو از هر عدو

کو ندارد آب کوثر در گلو

هر که را دیدی ز کوثر سرخ رو

او محمد (ص) خوست با او گیر خو

هر که را دیدی ز کوثر خشک لب

دشمنش میدار همچون مرگ و تب

«فصل لربک وانحر؛ پس برای پروردگارت نماز گزار و نحر کن.» سپاسگزاری و کرنش به آستان الهی از وظایف

مهمی است که عقل هر انسان برایش مقرر می‌دارد. سرشت انسانها مبتنی بر قدردانی از فردی است که به او نیکی

کرده است و از آنجا که تمامی نعمتها از جانب خداوند به انسان ارزانی شده است، سپاسگزاری از او جلوه دیگری

به خود می‌گیرد که در این سوره مبارکه در نماز و «نحر» تجسم یافته است.

هر معنایی که در «نحر» منظور باشد چه قربانی کردن شتر و چه بالا بردن دو دست تا روبروی گلوگاه و یا جلو

آوردن روی سینه - به هنگام تکبیرهای نماز، همه نشانه سپاسگزاری از نعمتهای خداوند است و نماز و نحر در

صورتی می‌تواند اعلام سپاس باشد که فقط برای خدا و در جهت پروردگار جهان باشد.

«ان شائنک هو الابر.» به یقین دشمن تو بی‌دنبال و بی‌خیر است. یکی از جلوه‌های اعجاز قرآن، خبرهای غیبی و

پیشگوییهای قاطع و انطباق آن با واقعیتها است و به روشنی موارد زیادی را در آیات قرآنی می‌توان یافت. از

جمله؛ داستان پیشگویی پیروزی رومیان بر ایرانیان، پس از آنکه آنها مغلوب ایرانیان گشتند و آن را نه سال قبل

پیش‌بینی کرد و به همانگونه نیز تحقق یافت خداوند متعال در قرآن کریم فرمود: «غلبت الروم فی ادنی الارض

وهم من بعد غلبهم سیغلبون فی بضع سنین» رومیان مغلوب شدند در جنگی که به نزدیکتر زمین واقع شد و آنها

پس از مغلوب شدن به زودی بر فارسها با ر دیگر غلبه خواهند کرد. [۴] و در آیه‌ای دیگر پیروزی مسلمین در

جنگ بدر را پیش‌بینی کرد و فرمود: «سپهزم الجمع و یولون الدبر» به زودی آن جماعت «در بدر» شکست خورده و به جنگ پشت کنند. [۵].

جهت تحقیق بیشتر می‌توان به تفسیر البیان اثر آیه‌الله خوئی [۶] و المیزان نوشته علامه طباطبائی [۷] مراجعه کرد.

سومین پیش‌بینی مربوط به آیه شریفه «ان شائنک هو الابر» است. دشمن که از سر غرور و نخوت به زیادی تعداد و فرزندان خویش می‌بالید و مسلمین را ناچیز می‌انگاشت و به خصوص بعد از فوت فرزند رسول گرامی اسلام، کار را تمام شده تلقی کرد و گمان برد پیام و رسالت پیامبر در میان انبوه حوادث تاریخ به فراموشی سپرده خواهد شد. در این هنگام قرآن کریم پیشگویی کرد که دین تو جهانگیر خواهد شد و کار دشمنان به نافرجامی و تباهی خواهد کشید و امروزه که پس از چهارده قرن حضور سرافراز اسلام را در جهان مشاهده می‌کنیم درخشش اعجاز این سوره را هر چه بیشتر حس کرده و آن را به عنوان نشانه صدق دیگری بر رسالت نبی گرامی اسلام اعلام می‌داریم.

مصطفی را وعده کرد الطاف حق

گر بمیری تو نمیرد این سبق

من کتاب و معجزت را رافعم

بیش و کم کن را ز قرآن مانعم

من مناره پر کنم آفاق را

کور گردانم دو چشم عاق را

چاکرانت شهرها گیرند و جاه

دین تو گیرد ز ماهی تا به ماه

تا قیامت باقیش داریم ما

تو مترس از نسخ دین ای مصطفا [۸].

در پرتو همین اعجاز فرزندان فاطمه (س) همچنان رونقی فزاینده یافته، سرچشمه‌ای پربرکت شده‌اند که هر روز بیش از گذشته در جهان می‌درخشند و شاخسارهای معنویت و پاکی را فرا راه حق جویان قرار می‌دهند، تا آن زمان که چهره پر فروغ حسن یار و جلوه زیبای عدل الهی حضرت بقیه الله «عجل الله تعالی فرجه الشریف» رخ کند و با ظهور خود کوثر فاطمی را تفسیری تام و تمام بخشد - به امید آن روز. والسلام.

[۱] المیزان، سوره کوثر، ج ۲۰، ص ۳۷۱.

[۲] سوره انعام، آیه ۸۴.

[۳] بحارالانوار، ج ۴۸، ص ۱۲۸.

[۴] سوره روم، آیه ۳.

[۵] سوره قمر، آیه ۴۵.

[۶] البیان، ج ۱، ص ۸۱، طبع پنجم.

[۷] المیزان، ج ۱، ص ۶۳.

[۸] مثنوی مولوی، دفتر سوم، ص ۴۴۲، شماره ۱۱۹۶.